

A Linguistic Study of Types of Repetition in Persian Legal Bills [In Persian]

Hengema Vaezi^{1*}, Dawood Taghipour Bazargani²

1 Assistant Professor, Department of English and Linguistics, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

2 Assistant Professor of English Department, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

*Corresponding author: hengamehvaezi@yahoo.com

Received: 30 Jan, 2022 Revised: 27 Jul, 2022 Accepted: 30 Oct, 2022

ABSTRACT

Undoubtedly, coherence is what gives a text its sense of unity and distinguishes it from writings that are dispersed. Its function is to connect two parts of a text and make them continuous so that the reader or listener can identify missing elements that are required for the text's interpretation. Reference, replacement, deletion, conjunctions or connections (for grammatical cohesion), and repetition and convergence (for lexical cohesion) are some examples of cohesion-enhancing methods. At various levels, the linguistic study can concentrate on written legal texts (letters, papers, invoices, and files) as well as spoken legal texts (such as courtroom talk). One of the transdisciplinary areas between linguistics and legal theory is legal linguistics, often known as forensic linguistics. Repetition is a linguistic property that may be used to measure text coherence. The current study looks into Persian legal bills' repeating patterns from a linguistic perspective. Linguists examine court evidence, records, offenders' specific terminology, speaking patterns, and writing styles in legal situations to provide expert opinions on the practical analysis of legal materials. The stylistic phenomenon of information repetition is one of the problems that is frequently found in legal documents, especially bills. 40 bills that were filed in court served as the source of the data, which was then qualitatively assessed. The examples reveal that there are two basic types of repetition in the printed language of the bills: repetition that is both unnecessary and beneficial. In the first group, the legal documents under discussion contain repetitive phrases and extraneous material that are regarded as filler. Two subclasses of grammatical and textual repeats make up the second group. The requirement of Persian language standards has led to the formation of required grammatical repeats, a repeat of the same term, a repeat of synonyms, a repetition of opposing words, a repetition of differentiation, and a repetition of emphasis are a few examples of contextual repetitions that vary based on the text and legal writing style. Rewriting the content,

extending parallelisms, using various limitations, and not paying attention to punctuation, complicated phrases, and multipart verbs are only a few of the unique qualities of the writings under study. The motives for emphasis, the worry that one would forget the audience if one speaks for too long, and the need to retain the main points are all connected to the repetition of information in bills. Because of this, the repetition of information in these texts plays a useful and effective function and facilitates the communication of the core idea.

Keywords: Legal Linguistics, Forensic Linguistics, Persian Bill of Rights, Grammatical Repetition, Contextual Repetition, Filling, Sociology of Language.

بررسی زبان‌شناختی انواع تکرار در لایحه‌های حقوقی فارسی

هنگامه واعظی^{۱*}، داوود تقی پور بازرگانی^۲

۱. استادیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

۲. استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

*نویسنده مسئول مقاله Email: hengamehvaezi@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

اصلاح: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده

بی تردید آنچه متن را یکپارچه و از نوشته‌های پراکنده متمایز می‌سازد، انسجام است و نقش آن در واقع برقراری رابطه بین دو قسمت از متن و تداوم بخشیدن به آن بوده تا بدین وسیله، خواننده با شنونده عناصر ناموجود در متن را که برای تعبیر آن ضروری هستند، دریابد. از ابزارهای انسجام می‌توان به ارجاع، جایگزینی و حذف، حروف ربط یا پیوندی (انسجام دستوری) و تکرار و هم‌آیندی (انسجام واژگانی) اشاره کرد. بررسی زبان‌شناختی می‌تواند بر روی متون شفاهی حقوقی (مانند گفتمان داخل دادگاه) و متون کتبی حقوقی (نامه‌ها، اسناد، لوایح، و پرونده‌ها) در سطوح مختلف تمرکز کند. زبان‌شناسی حقوقی که محکمه‌ای نیز خوانده می‌شود یکی از شاخه‌های بینا رشته‌ای بین زبان‌شناسی و حقوق قضایی است. تکرار به عنوان یکی از ابزارهای تخمین انسجام متن، ماهیتاً با زبان ارتباط دارد؛ پژوهش حاضر به بررسی زبان‌شناختی انواع تکرار در لوایح حوقی فارسی می‌پردازد. در بررسی کاربردی متون حقوقی، زبان‌شناسان با بررسی اسناد، شهادت در دادگاه‌ها، واژه‌های خاص کلام مجرمان، نوع سبک گفتاری و نوشتاری در پرونده‌های قضایی نظر کارشناسی می‌دهند. یکی از مسائلی که فراوان در متن‌های حقوقی به‌طور خاص لایحه‌ها به چشم می‌خورد، پدیده سبکی تکرار اطلاعات است. داده‌ها از ۴۰ لایحه ارائه‌شده در دادگاه‌ها جمع‌آوری و با روش کیفی تحلیل شده‌اند. بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که متن نوشتاری لایحه‌ها از دو گروه اصلی تشکیل می‌شود؛ تکرار بی‌فایده و تکرار مفید. در گروه اول، عبارات‌های تکراری اطلاعات غیرضروری هستند که حشو در نظر گرفته می‌شوند و در متون موردبحث حقوقی مشاهده شدند. گروه دوم، از دوزیر طبقه تکرارهای دستوری و بافتی تشکیل می‌شود. تکرارهای دستوری بر مبنای ضرورت قواعد زبان فارسی شکل‌گرفته‌اند و اجباری هستند. تکرارهای بافتی به اقتضای متن و سبک نوشتاری حقوقی انواع متفاوتی را نشان می‌دهند که عبارتند از: تکرار عین واژه، تکرار مترادف، تکرار واژه‌های مخالف، تکرار متمایزکننده و تکرار برجسته‌ساز. دوباره‌نویسی مطالب، جملات پیچیده، عدم توجه به نقطه‌گذاری، کاربرد قیود متعدد، همپایگی‌های طولانی و فعل‌های

چندبخشی از ویژگی‌های خاص متون موردبررسی است. تکرار اطلاعات در لایحه‌ها با انگیزه‌های تأکید، ترس از فراموشی مخاطب در طولانی شدن کلام و یادآوری نکات کلیدی ارتباط دارد؛ بنابراین تکرار اطلاعات در این متون نقش کاربردی و مؤثری دارد و سبب سهولت انتقال پیام اصلی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی، زبان‌شناسی محکمه‌ای، لایحه حقوقی فارسی، تکرار دستوری، تکرار بافتی، حشو، جامعه‌شناسی زبان.

۱- مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی که محکمه‌ای نیز خوانده می‌شود یکی از شاخه‌های بینارشته‌ای بین زبان‌شناسی و حقوق قضایی است. در بررسی کاربردی متون حقوقی، زبان‌شناسان با بررسی اسناد، شهادت در دادگاه‌ها، واژه‌های خاص کلام مجرمان، نوع سبک گفتاری و نوشتاری در پرونده‌های قضایی نظر کارشناسی می‌دهند. آقاگلزاده (۱۳۸۶) این شاخه علمی را یکی از رویکردهای نوین در حوزه زبان‌شناسی می‌داند که با یافته‌های نظری بیشتر، اساس آن مستحکم‌تر می‌شود و با معرفی به سایر نقاط و گسترش آن، مجامع بیشتری به لحاظ کاربردی از آن بهره‌مند می‌شوند (همان: ۱۹۲). بررسی زبان‌شناختی می‌تواند بر روی متون شفاهی (مانند گفتمان داخل دادگاه) و کتبی (نامه‌ها، اسناد و پرونده‌ها) در سطوح مختلف تمرکز کند. در این جستار هدف این است که لایحه‌های قضایی به لحاظ معیار زبان‌شناختی کاربردی بررسی گردند. لایحه به نوشته‌هایی می‌گویند که از سوی طرفین دعوا به مقام قضایی ارائه می‌شود که معمولاً وکیل از سوی موکل خود لایحه‌ای برای طرح شکایت یا تجدیدنظر تنظیم می‌کند. درک کاربردی و معناشناسی بافتی ساختارهای زبانی در این نوع متون حقوقی بسیار اهمیت دارد.

یکی از پدیده‌های زبانی که در این نوع متون نیاز به بررسی بیشتر دارد، تکرار و حشو در متون نوشتاری است. از نظر هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، انسجام اصلی‌ترین مشخصه یک متن است. یکی از عوامل انسجام، تکرار است که پیوستگی درون متن را تقویت می‌کند. آن‌ها، تکرار را ابزار زبانی و انسجامی دانسته‌اند و از این حیثه فراتر نرفته‌اند. نگاه آن‌ها به تکرار مثبت است. پدیده دیگری که به تکرار اطلاعات دلالت دارد، حشو است. حشو را در حوزه ادبیات، تکرار اطلاعات زائد نامیده‌اند (سمیعی گیلانی، ۱۳۹۵؛ دانشگر، ۱۳۸۳). در زبان‌شناسی تجویزی و توصیفی، به نظر می‌رسد هر دو تکرار اطلاعات را منفی دانسته‌اند. دستوریان تجویزی معتقدند که باید واژه‌ها و عبارات اضافی را تا جایی که امکان دارد کوتاه و حذف کنند (Wit & Gillette, 1999). اصل کم‌کوشی و اقتصاد زبانی، اختصار و موجزنویسی را در تولید ساختارها الزام زبانی می‌دانند؛ اما پرسش این است که آیا تکرار در همه متون بار منفی دارد؟ عوامل بافتی مانند گوینده و انگیزه انتقال پیام چه

تأثیری در ارائه اطلاعات دارند؟ بنابراین هدف این است که نشان دهیم تکرار خود انوعی دارد و در لایحه‌های حقوقی، تکرار مثبت (مفید) و منفی (بی‌فایده) متفاوت هستند. سپس با نشان دادن انواع تکرارها و طبقه‌بندی متفاوت از پژوهش‌های پیشین، سبک حقوقی دقیق‌تر ارزیابی می‌شود؛ علاوه بر آن با رویکردی تلفیقی از هر دو نوع تکرار، داده‌های مستخرج از لایحه‌های حقوقی بحث می‌شوند.

این پژوهش ۵ بخش دارد. ابتدا پیشینه پژوهش توصیف می‌شود تا مشخص کند که موضوع مقاله حاضر با طبقه‌بندی پیشنهادی پیش‌تر مورد بحث قرار نگرفته است. سپس چارچوب نظری مورد بحث معرفی می‌شود. در بخش بعد از آن، روش تحقیق به اختصار توصیف می‌شود. در بخش تحلیل داده‌ها، نمونه‌های تحقیق تحلیل می‌شوند. بخش پایانی به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲- پیشینه پژوهش

سمیعی گیلانی (۱۳۹۵) حشو را عبارات‌های زائد می‌داند که از رسایی سخن می‌کاهد و آن را پوک می‌کند (همان: ۵۰). از نظر وی، اطلاعات زائد در کلام، نافی اصل اقتصاد زبان است و سبب ضعف کار آبی می‌شود زیرا انبوه عناصر حشو، ذهن خواننده را منحرف می‌کند. دانشگر (۱۳۸۳) به بررسی حشو قبیح در نثر پرداخته است. وی معتقد است حشو ناپسند در متن اختلال و سستی ایجاد می‌کند و از شیوایی کلام می‌کاهد. افتخاری (۱۳۸۴) در بررسی اصل کم‌کوشی در بخشی از مقاله به حشو می‌پردازد. وی با توجه به فاصله میان گونه نوشتاری فارسی و گفتاری، اهداف گویشوران را در ساده‌گویی توصیف و طبقه‌بندی می‌کند. حشورا زیاده‌گویی اطلاعات می‌داند و در زبان محاوره طبیعی می‌انگارد.

خسروی زاده (۱۳۸۴) وقوع حشو را یکی از پریسامدترین فرایندهای ارتباط کلامی می‌داند. هدف وی بررسی آن دسته از حشوهای واژگانی است که در سطح باهم آبی مطلق دو یا چند واژه هم‌نشین تجلی می‌یابند. از این رو، از یک سو به طبقه‌بندی‌های مطرح در مطالعاتی که مسئله باهم آبی مطلق را در کانون توجه قرار داده‌اند، اشاره می‌کند. سپس آن‌ها را از منظر پدیده حشو واژگانی بررسی می‌کند. فرض پژوهش این است که طبقه‌بندی‌هایی که از باهم آبی مطلق دو یا چند واژه هم‌نشین ارائه شده‌اند، در توجیه حشوهای واژگانی کارآمد نیستند. بنابراین، مقاله حاضر، هر یک از این طبقه‌بندی‌ها را مورد بازنگری قرار می‌دهد و به کمک نمونه‌هایی از زبان فارسی، نارسایی‌های آن‌ها را در توجیه حشوهای واژگانی، مطرح می‌سازد. وی در بررسی دیگری (۱۳۸۸) عوامل تولید فرایند حشو واژگانی را در سطح گفتمان بررسی می‌کند. درک کلام بدون حشو را نیازمند توجه و دقت می‌داند. فرازنده‌پور (۱۳۸۸) متون حقوقی را آسیب‌شناسی می‌کند و درصدد است بداند که

از لحاظ زبان‌شناختی چه دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایی در متن آرای قضایی وجود دارد؟ از لحاظ زبان‌شناختی، دشواری‌ها و پیچیدگی‌های متن آرای قضایی ناشی از سبک و ساختار پیچیده آن است؛ از جمله درازنویسی، استفاده فراوان از واژه‌های عربی و عبارات حرف‌افزای، عدم رعایت اصول نشانه‌گذاری و همچنین به‌کارگیری واژه‌های تخصصی و اصطلاحات حقوقی (بدون ارائه تعریف مناسب به‌طوری‌که برای غیر حقوقدانان هم قابل فهم باشد). با تقطیع ساخت موضوعی متن رأی دادگاه می‌توان به مضمون هر بخش و همچنین علانم گفتمانی و نشانه‌های زبانی هر قسمت مانند اصطلاحات خاص حقوقی و عناصر کلیدی ارائه‌شده در آن بخش پی برد با شناسایی ساخت موضوعی آرای قضایی و تقطیع آن به مضامین مختلف و سپس حذف عناصر و گزاره‌های غیرضروری متن می‌توان بدون هرگونه لطمه به انسجام معنایی متن رأی، عبارات کلیدی آن را از سایر عناصر غیرضروری مجزا ساخت.

روشن و بهبودی (۱۳۸۸) ویژگی‌های نحوی و واژگانی متون حقوقی مدنی فارسی را در کتب علمی و درسی بررسی کرده‌اند. در بعد نحوی، ساخت‌های غیرشخصی بیشترین آمار را نشان می‌دهد؛ جملات بیشتر مرکب و نا همپایه هستند. باهم آبی واژگانی در داده‌هایشان مشاهده شده است اما متون موردبررسی را عاری از حشو می‌دانند. در بعد واژگانی، مجموع واژگان تخصصی و کلیشه‌ای و مهجور هستند. در بیشتر موارد واژه‌های قدیمی و کلیشه‌ای به‌کاررفته‌اند. در این پژوهش، نگارندگان با بررسی محتوای متون حقوقی با روش خوشه‌ای و تصادفی نمونه‌گیری کرده‌اند. نتایج نهایی و بسامد هر یک از نمونه‌ها به روش کمیت‌نمایی در جداول متمایز از هم ارائه‌شده‌اند. نگارندگان پس از معرفی ساختارها و انواع واژه‌ها به روش آماری، بسامد هر یک را نشان داده‌اند.

کردعلیوند (۱۳۹۲) در معرفی زبان‌شناسی حقوقی با تکیه بر چارچوب فکری ژرار کورنو بیان حقوقی را توصیف می‌کند. وی بیان حقوقی را بیان خاص می‌داند بیان حقوقی اساساً از گروه کسانی که حقوق را به سخن درمی‌آورند تأثیر پذیرفته است؛ (کسانی که آن را تهیه و نشر می‌دهند) قانون‌گذار (کسانی که آن را می‌گویند) قاضیان (جامعه حقوقدانان و به‌طورکلی تمام کسانی که در آفرینش و تحقق حقوق با هم کار می‌کنند). بیان حقوقی دارای واقعیتی یکپارچه نیست. چندگانگی این بیان هم به کارکردها و هم به ابعاد گوناگون آن برمی‌گردد. متن قانون گفتاری هنجارمند است که در ساختار خود دربردارنده نشانه‌های زبانی کارکرد قانون‌گذاری، حاکمیتی و فراگیر است. این نشانه‌ها گاهی آشکارند؛ فعل‌های قانون، به‌عنوان حامل کنش قانون‌گذاری، در موارد بسیار زیادی ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر از هر قاعده حقوقی یعنی اجبار مانند وظیفه‌داشتن، اجبار به انجام دادن کاری و ممنوع بودن چیزی (الزامی بودن را نشان می‌دهند) چون توانستن، اجازه دادن و حق داشتن.

همگانی بودن قانون به‌روشنی از واژه‌های تأییدی چون «هرکس» و «همه» (و انکاری) «هیچ‌کس» و «هیچ فردی» نتیجه گرفته می‌شود.

بررسی تکرار اطلاعات موضوعی است که در زمینه ترجمه متون حقوقی نیز مورد توجه بوده است. همان‌طور که محققان بررسی کرده‌اند ترجمه واژه‌های تکراری چالشی است برای مترجمان. برای نمونه بوشیلا (۲۰۱۷) در بررسی ترجمه متون حقوقی از زبان انگلیسی به رومانیایی با در نظر گرفتن پیکره‌ای از مطالب حقوقی به این نتیجه می‌رسد که کلمات دوتایی و تکرار اطلاعات در زبان انگلیسی در زبان رومانیایی تکراری تلقی نمی‌شوند؛ بنابراین اطلاعات تکراری در یک زبان الزاماً در زبان دیگر حشو نیستند.

در بررسی دیگری کروما (۲۰۱۱) با بررسی معنایی کلمات مترادف و چندمعنایی و کاربرد آن‌ها در متون حقوقی معتقد است که مترادف‌های گزاره‌ای (Propositional synonymy) که بازگویی (Paraphrase) اطلاعات مشترک است بسیار مشاهده می‌شود. برای نمونه در یک جمله حقوقی از ۴۴ واژه به‌کاررفته، ۱۸ نمونه صورت تکراری هست. نویسنده نقش اصلی این کلمات را نشانه اطلاع از نحوه برقرار ارتباط میان مخاطبین درگیر در لایحه یا دعوی می‌داند (Chroma, 2011: 44).

همان‌طور که مطالعه سوابق نشان می‌دهد، پدیده حشو و تکرار در متون حقوقی به‌طور خاص مورد توجه نبوده است. انسجام متنی و ابزارهای کاربردی در حیطه متن نوشتاری حقوقی در بعضی از تحقیقات به‌طور کلی بحث شده است. هدف این مقاله این است که انواع تکرار را در متون حقوقی با جزئیات بیشتری نشان دهد و طبقه‌بندی متفاوتی ارائه کند. علاوه بر آن به جنبه‌های مثبت تکرار در ارتباط و انتقال پیام در بافت حقوقی دست یابد.

۳- چارچوب نظری

۱-۳- انسجام (Cohesion)

انسجام یک مفهوم معنایی است و به روابط معنایی موجود میان عناصر درون متن گفته می‌شود که آن را به‌عنوان متن مشخص می‌کنند. انسجام زمانی برقرار می‌شود که تعبیر و تفسیر عناصری از متن به تعبیر و تفسیر دیگر عناصر متن وابسته باشد (Halliday & Hassan, 1976: 4)؛ بنابراین آنچه متن را یکپارچه و از نوشته‌های پراکنده متمایز می‌سازد، انسجام است. انسجام متن حاصل روابط جمله‌های آن با یکدیگر است و مفهومی است که به پیوستگی و اتصال جمله‌های نوشته یا گفته‌شده اشاره دارد (Halliday & Hassan, 1976: 3)؛ بنابراین نقش انسجام در واقع برقراری رابطه بین دو قسمت از متن و تداوم بخشیدن به آن است تا بدین وسیله، خواننده یا شنونده عناصر ناموجود در متن را که برای تعبیر آن ضروری هستند، دریابد. به‌عبارت‌دیگر، انسجام بر رابطه‌های

معنایی بینامتنی دلالت دارد که در فهم متن دخالت دارند (Halliday & Hassan, 1976: 229). از ابزارهای انسجام می‌توان به ارجاع (Reference)، جایگزینی و حذف (Substitution & Ellipsis)، حروف ربط یا پیوندی (Conjunction) (انسجام دستوری) و تکرار و هم‌آیندی (انسجام واژگانی) اشاره کرد (Halliday & Hassan, 1989: 4). همان‌طور که آن‌ها مطرح کرده‌اند، همه عناصر زبانی درون متن به یکدیگر وابسته هستند و همه گویشوران یک زبان به راحتی می‌توانند ارتباط و پیوند میان جمله‌ها را درون متن تشخیص دهند. با توجه به موضوع بحث پژوهش حاضر، انسجام واژگانی با تأکید بر موضوع تکرار ارائه می‌شود و در این بررسی انسجام دستوری مدنظر نیست.

۲-۳- تکرار و انسجام

در انسجام واژگانی، انتخاب واژه‌ها درون متن مطرح هستند که چگونه درون متن پیوستگی ایجاد کند تا معنا به درستی انتقال یابد. در دیدگاه هلیدی و حسن، دو انسجام معنایی وجود دارد؛ ۱- تکرار اطلاع (Reiteration) که یک نوع تکرار در نظر گرفته شده است. ۲- با هم‌آیی (Collocation) واژگانی که هم‌نشین شدن واژه‌هایی است که به لحاظ کاربردی در محیطی یکسان به کار می‌روند. آن‌ها تکرار را ابزاری برای رسیدن به انسجام می‌دانند که در آن واژه‌ای تکرار می‌شود؛ چنین تکراری می‌تواند به صورت‌های متفاوتی رخ دهد. برای مثال، کاربرد یک واژه کلی که به واژه‌ای نزدیک به حوزه خود ارجاع می‌دهد مانند نوشیدنی و آب. مترادف‌ها، شبه مترادف‌ها و واژه‌های شامل در رأس طبقات که زیرمجموعه‌هایی را دارند. هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۵) تکرار و با هم‌آیی را دوروش دستیابی به انسجام واژگانی می‌دانند.

۳-۳- تکرار و حشو

ویت و ژیلت (۱۹۹۹) در بررسی خود دو نوع حشو زبانی را به نام‌های دستوری و بافتی معرفی می‌کنند. در پژوهش آن‌ها علاوه بر ساختار و جزییات دستوری، به کاربرد و نقش تکرار در بافت اهمیت داده شده است. آن‌ها در چارچوب خود حشو و تکرار را هم‌معنا می‌دانند. از منظر آن‌ها، حشو نوعی تکرار اطلاعات است که می‌تواند اجباری یا غیر اجباری باشد. صورت اجباری را دستوری و غیر اجباری را بافتی می‌نامند.

۱-۳-۳- حشو دستوری: نشانه سوم شخص مفرد s- که با ضمیر سوم شخص مطابقت می‌کند. شانون (۱۹۴۸) معتقد است که در هر قسمتی از زبان که پیام به درستی درک نشود، برای درک بهتر، حشو عناصر دیگر رخ می‌دهد. در نمونه انگلیسی ظهور نشانه s- با ضمیر فاعلی سوم شخص پیام را به درستی انتقال می‌دهد. این نوع از حشو، درون نظام زبان و اجباری است. مورد

دیگر حضور کلمه پرسشی در جمله پرسشی هم‌زمان با جابجایی فعل کمکی و فاعل طبق قاعده پرسش در این زبان، حشو دستوری را نشان می‌دهد.

۲-۳-۳- حشو بافتی: تکرار اطلاعات در بافت است. این نوع تکرار با انگیزه قواعد دستوری رخ نمی‌دهد؛ بنابراین تکرار این نوع اطلاعاتی که به دلایل غیرزبانی و خارج از قواعد دستوری ایجاد می‌شوند، اجباری نیستند. این نوع تکرار خود انواعی دارند که عبارتند از: تکرار مشابه و مترادف (Identical or synonymous repetition)؛ تکرار متقابل و متضاد (Contrasting repetition)؛ تکرار وجه تمایز (Distinguishing, differentiating repetition)؛ تکرار منفرد و برجسته (Isolating, salient repetition). با توجه با بافت، انگیزه‌های متفاوتی عامل تکرار هستند که عبارتند از: کمک به درک پیام / تسهیل درک؛ رفع ابهام؛ برجستگی یک ویژگی؛ تقابل عناصر؛ تأکید یا تشدید؛ خلق زیبایی.

۴-۳- حشو و نظریه ارتباط

شانون در سال ۱۹۴۸ طی جنگ جهانی دوم با جدا کردن مفاهیم اصلی رمزهای ارسال شده، نظریه ارتباط را ایجاد کرد. یکی از شرایط لازم برای ارتباط موفق، انتقال درست پیام به گیرنده است. وی آنچه را که به عنوان مفاهیم اصلی در پیام جدا و تشخیص داد در نظریه ارتباط مهم ترین بودند. از نظر وی، پیام‌های اضافی غیر قابل پیش بینی و دور از انتظار هستند.

ارتباط تنها به سیستم‌های ساخته دست بشر محدود نمی‌شود (تلفن، رادیو و...); ارتباط حقیقت زندگی بشر است. هانیکات (۱۹۸۵) معتقد است که حشو اطلاعاتی بیش از حد مجاز در جمله یا عبارت است. در ارتباط کلامی و در بافت حالت صحبت کردن، صداها و اضافی کلام همراه با سخن مطرح هستند. سخن و اشارات کلامی رابطه عکس دارند؛ زمانی که حالت صحبت کردن و صداها و حواشی اطلاعات اضافی منتقل کنند، سخن کاهش می‌یابد. وی بر این باور است که زمانی که ارتباط و انتقال پیام به بن بست می‌رسد، اطلاعات بافتی یا به بیان دقیق‌تر حشو بافتی آن را نجات می‌دهد (همان: ۵۳-۵۴).

بنابراین در نظریه ارتباط حشو به لحاظ کاربردی نقش‌هایی را ایفا می‌کند. این نظریه با نگاهی مثبت در کاربرد در مقابل رویکرد ادبی و حذف اطلاعات اضافی قرار دارد. در مقاله حاضر در بررسی لایحه‌های حقوقی، هر دو رویکرد (ادبی و ارتباطی) مورد توجه قرار می‌گیرد اما بر نظریه ارتباط و نقش‌های کاربردی تکرار بیشتر متمرکز می‌شود. دلیل این امر آنست که در زمینه ادبی و رویکرد حذف اطلاعات اضافی بیشتر مطالعاتی شده است بنابراین بحث کاربردی و مفید بودن تکرار اطلاعات مد نظر هست.

۵-۳- بافت، ژانر و ساختار متن

فکر کردن درباره ساختار متن، نه برحسب ساختار هر متن بلکه به‌عنوان موجودیت مستقل و جداگانه، به‌عنوان گزاره‌ای کلی درباره‌ی یک ژانر، متضمن این موضوع است که ارتباط نزدیکی بین متن و بافت وجود دارد. ارزش این بحث سرانجام در شناخت ماهیت کارکردی زبان قرار می‌گیرد. چنانچه متن و بافت به روش‌هایی که در بالا بحث شد، به یکدیگر مرتبط باشند، پس تنها یک روش برای درست گفتن و یا نوشتن وجود ندارد. آنچه در یک محیط، مناسب و مقتضی است ممکن است در محیطی دیگر مناسب و شایسته نباشد. علاوه بر این، این استلزام نیز وجود دارد که توانایی نوشتن مقاله‌ای عالی درباره دلایل جنگ جهانی دوم با مقاله دیگری که حاکی از گزارشی قابل قبول درباره دیوان محاکمه است، یکسان نیست. این مسئله به این دلیل نیست که قطعه‌ای از نوشتار به‌طور ذاتی دشوارتر یا طاقت‌فرساتر از دیگری است، بلکه به این دلیل که ممکن است هر یک از آن‌ها تجربه‌ی بیشتری از آن نوع مشخص داشته باشند (Hassan, 1979).

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌پذیرد. در ابتدا محتوای پیام‌ها در ۴۰ لایحه بررسی، سپس نمونه‌های موردنیاز تحقیق به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. یافته‌های مقاله حاضر بر اساس تحقیق در متون نوشتاری لایحه‌های فارسی نگاشته شده بین سال‌های ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۴ متمرکز شده است.

۵- تحلیل داده‌ها

یکی از اصولی که در کاربرد زبان از سوی گرایس در سال ۱۹۷۵ مطرح شد، اصل همکاری است. وی بیان کرد که مکالمه و درک کلام در نتیجه رعایت ۴ راهبرد روی می‌دهد؛ راهبردهای کیفیت، کمیت، ارتباط و شیوه. در راهبرد کمیت؛ طرفین صحبت موظف‌اند به‌اندازه لازم صحبت کنند، نه کمتر نه بیش‌تر؛ یعنی در انتقال پیام باید به‌قدر کافی که لازم است، اطلاع‌رسانی شود. چنانچه بیش از نیاز صحبت شود از این راهبرد تخطی شده است. آن‌طور که بیان شد، راهبرد وی ملزم به رعایت اصل کم‌کوشی است؛ اصلی که امروزه در همه علوم مطرح است. با کمترین تلاش، بیش‌ترین کار آیی انجام گیرد.

مشاهده داده‌های زبانی نشان می‌دهد که در بعضی از بافت‌ها، باوجود جمله یا واژه‌های مناسب و اطلاعات لازم در جمله؛ کاربرد زبانی، اطلاعات را مجدداً تکرار کرده است؛ بنابراین تکرار یک پدیده ملموس در متون و غیرقابل‌انکار است. به تکرار اطلاعات در متن می‌توان از دیدگاه مثبت و منفی توجه کرد. تکرار منفی همان حشو است که در بسیاری از نوشته‌ها کلام زائد

معرفی شده است. تکرار زائد در متن را که جمله از جهت معنا به آن نیازی ندارد حشو نامیده‌اند. پالم (۱۹۷۶: ۴۱) معتقد است که اگر پیامی بتواند با وجود اختلال قابل‌درک باشد، باید حشو داشته باشد. هایمن آواهای قابل پیش‌بینی را حشو می‌داند (Hyman, 1975:28). خسروی زاده (۱۳۸۸) وقوع حشو را فرایند قابل حذف و قابل پیش‌بینی می‌داند و معتقد است یکی از پرسامدترین فرایندهای ارتباط کلامی است. وی حشو در زبان را خلاف اصل کم‌کوشی و شرط کمیت از اصول گرایس می‌داند. در این نوع نگاه تقلیل جملات، سادگی و حذف واژه‌های قابل پیش‌بینی از سوی دستوریان و اهل فن توصیه می‌شود. هله (۱۹۷۱) معتقد است که ذهن بشر به شکل غیر تکرار واژه‌ها را در حافظه دارد.

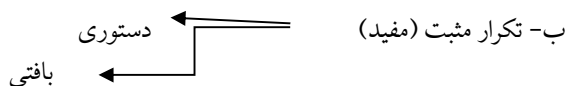
پس موضوع تکرار بحث جدیدی نیست و بسیاری از محققان به آن توجه کرده‌اند. گروهی دیگر با بررسی این پدیده به این نتیجه رسیده‌اند که تکرار اطلاعات همیشه مشکل‌ساز نیستند بلکه بخشی از ماهیت ارتباط کلامی هستند (Campbell, 1982). کمپل (۱۹۸۲) و ویت و ژیل (۱۹۹۹) معتقدند که تکرار جزئی از ماهیت کلامی است و در ارتباط‌های کاربردی و کلامی تنها روش برای انتقال پیام‌های پیچیده، تکرار است؛ بنابراین با دو دیدگاه در تکرار در مقاله حاضر مواجه هستیم؛ یک گروه تکرار را الفاظ اضافی، زائد و غیرضروری می‌دانند؛ در نگاه دوم تکرار ضرورت زبانی درون نظام تلقی شده است. علاوه بر نظام زبانی، بافت متنی که تکرار دارد بسیار در نوع سبک و انتخاب واژه‌ها تأثیر دارد.

پژوهش حاضر به بررسی لایه‌های حقوقی برگزیده و در دسترس پژوهشگران می‌پردازد که پس از بررسی رویکرد اول، با نگاهی مثبت سعی دارد نشان دهد که تکرار یکی از پدیده‌های سبکی است که به نوع متن وابسته است؛ بنابراین انواع تکرار در لایحه‌های حقوقی بررسی می‌شود تا نشان دهد که تکرار برخی عبارات همیشه از عوامل اطناب و مُخَلِّ فصاحت نیست بلکه در ژانر و سبک خاص حقوقی می‌تواند نقش کاربردی داشته باشد تا ارتباط کلامی با موفقیت ایجاد و گیرنده بدرستی پیام را مفهوم سازی کند. در نظریه ارتباط، تکرار ماهیتاً در نظام زبانی مطرح است (ویت و ژیل، ۱۹۹۹: ۴).

تمایز میان دو مفهوم معنایی تکرار عبارتند از:

الف- تکرار منفی (بی‌فایده) ← حشو

این نوع از تکرار اطلاعات در پردازش اصلی پیام در جملات و عبارات نقشی ندارند و اطلاعات بیش از نیاز گیرنده منتقل می‌شود. حذف این نوع اطلاعات، لطمه‌ای به پیام اصلی وارد نمی‌کند.



این نوع از اطلاعات بر مبنای نظریه ارتباط، نقش کاربردی در انتقال پیام دارند. در این بخش نگارندگان تعداد بیش از ۱۰۰ جمله جمع‌آوری شده از مجموع ۴۰ لایحه حقوقی را به لحاظ تکرار بی‌فایده و تکرار مفید (دستوری و بافتی) طبقه‌بندی و ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین انواع تکرار، نوع سبک و نقش‌های کاربردی آن‌ها در این نوع متون به لحاظ زبان‌شناختی تعیین می‌گردند.

۱-۵- تکرار بی‌فایده یا زائد

این نوع از تکرار کمکی به معنای جمله نمی‌کنند و در صورت حذف آن‌ها اطلاعات به میزان کافی به مخاطب منتقل می‌شود. در بررسی‌های ادبی چنین تکراری را حشو قبیح نامیده‌اند.

۱- تاریخ قیدشده ذیل امضا شاکی

به جای تاریخ ذیل امضا شاکی

۲- یک برگ تصویر تقسیم‌نامه داده شد.

به جای یک کپی/تصویر از تقسیم‌نامه داده شد

۳- باشد که در تشکیل ارکان تشخیص عادلانه آن محکمه مفید فایده قرار گیرد و موجبی گردد در احیا قاعده.

به جای

باشد که در تشکیل ارکان تشخیص عادلانه آن محکمه مفید باشد یا فایده داشته

باشد.

۴- لزوم سرمایه‌گذاری در ساخت‌وساز بوده است

به جای سرمایه‌گذاری در ساخت‌وساز بوده است.

همان‌طور که نمونه‌های بالا (۱-۴) نشان می‌دهند، در جملات حقوقی کلماتی به‌کاررفته‌اند که جمله به آن‌ها نیازی ندارند زیرا حذفشان از بار عاطفی و معنایی جمله نمی‌کاهد و می‌توان پیام را موجزتر انتقال داد.

علاوه بر تکرارهای زائد که در بالا معرفی شدند، متون حقوقی در لایحه‌ها در گروه دوم یعنی تکرارهای غیر زائد به دودسته اصلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از تکرار دستور- بنیاد و تکرار بافت- بنیاد.

۲-۵- تکرار مفید یا غیر زائد

این نوع از تکرار هر در دوبخش دستور زبان و بافت مشاهده می‌شوند.

۲-۵-۱- تکرار دستوری

در این نوع تکرار، انگیزه اصلی پیدایش آن‌ها، قواعد دستوری هستند. در نظام زبان‌های متفاوت، این قواعد عامل اصلی تکرار در جملات هستند. در زبان فارسی، عبارت کسی، چیزی، جایی و مانند این‌ها در جمله‌های منفی به ترتیب هیچ، هیچ‌کس، هیچ‌چیز، هیچ‌جا و مانند این‌ها معنی می‌دهند که لزوم کاربرد آن، فعل منفی است (لازار، ۱۳۹۳: ۱۵۲). در این ساختارها صورت منفی با "هیچ" که بار عاطفی منفی دارد در یک جمله آمده است. تکرار مفهوم نفی از سوی "هیچ" و "ن" تأکید بر نفی داشته است. صورت نفی مکرر با تبعیت از قواعد دستوری در زبان فارسی است. در این نمونه‌ها اطلاع نفی پیشتر از سوی "هیچ" در جمله بیان شده است، پس نیازی به اطلاعات بیشتر برای نشان دادن نفی نیست اما مجدداً "ن" بر روی فعل نشانه نفی یا دقیق‌تر، اطلاعات نفی را تکرار کرده است. حضور نشانه نفی در کنار فعل فارسی همزمان با "هیچ" تکرار اجباری اطلاعات است.

۵- هیچ اشاره‌ای به سهم مرتضی رفیعی در ملک جردن نشده

۶- هیچ اعتراضی نداشته

ماهوتیان (۱۹۹۷: ۹۰) کاربرد "هیچ، هیچ‌کی، هیچ‌جا، هیچ‌وقت، هرگز" در جملات را با قفل منفی، نفی مضاعف می‌داند.

نمونه‌های دیگری از این نوع تکرار در این دستور زبان فارسی عبارتند از "علی را دیدمش" (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹)؛ مضاعف سازی واژه‌بست که با وجود مفعول، واژه‌بست "ش" نیز تکرار شده است.

"آیا خودت گفتی؟" انتخاب آهنگ خیزان در مورد آن اجباری است (باطنی، ۱۳۷۰: ۸۳). وجود آهنگ پرسشی و کلمه پرسشی "آیا" به‌طور هم‌زمان، تکرار دستوری است.

نکته کاربردی این نوع از تکرار این است که این دو اطلاعات مشابه با شکل‌ها و نشانه‌های متفاوتی در جمله قرار می‌گیرند؛ پس از نظر کاربردی، اطلاعات اضافه هرگز با نشانه‌های یکسانی تکرار نمی‌شوند.

۲-۵-۲- تکرار بافتی

در این نوع تکرار، اطلاعات به دلایل دستوری تکرار نمی‌شوند؛ بلکه انگیزه‌هایی غیر از قواعد دستوری سبب آن‌ها هستند مانند عوامل بافتی، سبکی، اجتماعی، روان‌شناختی و مانند این‌ها. بازتولید عناصر مشابه در هر موقعیت که نیاز باشد رخ می‌دهد، موقعیت‌هایی که با عوامل جامعه‌شناسی زبان و روان‌شناسی زبان سر و کار دارند. صفوی تکرارهای کلامی، آوایی، واژگانی یا نحوی را توازن می‌نامد و آن را روشی برای ایجاد نظم می‌داند (۱۳۷۳: ۱۶۳). تکرار بافتی بر مبنای مشاهده داده‌ها به ۴ دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۲-۲-۵- تکرار عین واژه

در این نوع تکرار، یک یا بیش از یک واژه در یک جمله ساده یا مرکب تکرار می‌شود. در لایحه‌های حقوقی تکرار کلماتی مانند ضمائر "آن"، حروف ربط "که" و "بسیار کاربرد دارند. نمونه‌هایی از تکرار واژگان مشابه عبارتند از:

۷- در جای جای پرونده

۸- پس از پیگیری مالکین از شهرداری مشخص گردید حسب طرح اعلامی از سوی شهرداری مقدار ۱۳۹/۳۸ متر از زمین یکی از ساختمان‌ها و مقدار...

۹- در تقسیم‌نامه باغ گل باغ سی

۱۰- کاملاً روشن است که ملک متنازع فیه یک قطعه باغ محصور بوده و در حال حاضر نیز مشجر می‌باشد؛ لذا طبق ماده ۵ قانون زمین شهری و ماده ۲ آیین‌نامه آن، ملک متنازع فیه خارج از شمول قانون زمین شهری جهت تملک توسط شهرداری می‌باشد و اقدام شهرداری در تملک ملک فوق خلاف قانون بوده است.

۱۱- موضوع قرارداد شرکت اصلاً وجود نداشته و اساساً این قرارداد به نحو صوری تنظیم گردیده.

۱۲- با توجه به کروکی ترسیمی سهم هر یک از ورثه در کروکی مشخص شده و همان‌طور که ملاحظه می‌فرمائید در قسمت پائین سمت راست کروکی نوشته شده منزل مسکونی و تلوار...

۲-۲-۵- تکرار واژه مترادف

ترادف، هم‌نشینی واژه‌ها با مفاهیم مشابه هستند. انسجام واژگانی در نتیجه انتخاب واژه‌ای مترادف با واژه مجاورش ایجاد می‌شود (Halliday & Hassan, 1976: 331). این نوع از تکرار در مقایسه با گروه اول در لایحه‌های بررسی شده، فراوانی بیشتری دارند و از عوامل مهم اتصال عبارت‌ها و جمله‌های داخل متون هستند. دو واژه مشابه با هدف مشترک در انتقال پیام به کار می‌روند. برای مثال؛

۱۳- نظر به اینکه اشتغال به فعالیتی اقتصادی با درآمد بالایی دارند اظهار ایشان مبنی بر اعسار و عدم توانایی در پرداخت هزینه دادرسی ادعایی بی‌اساس بوده و صرفاً جهت اطالهی روند رسیدگی و تاخیر در اجرای رأی صادره و انجام تعهدات خود می‌باشد.

۱۴- قانون و شرع

۱۵- شهرداری حق دست‌اندازی به مال و ملک مردم را ندارد.

۱۶- محرز و مشخص است

۱۷- طرفین قرارداد از ابتدا مشخص و معلوم بوده و هست.

۱۸- به وجود یک مشتری یا فاکتور یا دفتر خرید و فروش یا صورتحسابی

۱۹- صادره نیز صحیحاً و بدون هیچ‌گونه ایرادی صادر گردیده

۲۰- بدون اطلاع بدوی و ابتدایی

۲۱- کارگشایی و پی‌گیری امور اداری

۲۲- هیچ تبانی اولیه و یا آگاهی ابتدایی

۲۳- لذا تمیز و تشخیص عقوبت متناسب با چنین رفتاری بفرض اینکه جرمی مرتکب شده باشد از پایه‌های تصمیم عادلانه شماس

۲۴- رفتار مجرمانه سردستگی و یا اقدامات بانندی

۲۵- سردستگی و مشارکت در باند جعل و کلاهبرداری است

۲۶- نقش و جایگاه وی

۲۷- انبوه اظهارات و حجم بالای پرونده موجب شده است

۲۸- مرتکب تخلف و جرمی

۲۹- به صورت مقطعی و اجرت العمل کاری بوده است

۳۰- از خود سلب و ساقط نمودند

۳۱- چطور و به استناد چه دلایل و مدارکی

۳۲- متکی به دلیل و مدرکی نیست.

۳۳- بی‌پایه و اساس و صرفاً جهت ایذا و آزار این جانب می‌باشد:

- ۳۴- دلیل و انگیزه‌ای جهت ارتکاب جعل توسط این جانب وجود ندارد.
- ۳۵- جای شک و تردیدی باقی نمی‌ماند
- ۳۶- خلاف عقل و منطق
- ۳۷- قسمت حیاط و خانه را هم متعلق به علی و محمد بدانیم
- ۳۸- هیچ دلیل و مدرک و مستندی ارائه نشده
- ۳۹- با امید به رعایت عدل و انصاف
- ۴۰- بی‌شک قرائن تاب‌وتوان مقاومت در برابر دلایل را ندارند
- ۴۱- اثری از مهر یا گواهی برابر اصل شورای حل اختلاف رؤیت نمی‌شود
- ۴۲- مجید شیری اقرار نموده که صرفاً و منحصرأ
- ۴۳- عالی‌جنابان، به استحضار می‌رساند موکول حسب ظاهر متعارف و قابل قبول اسناد مالکیت و وکالت‌نامه‌های تنظیمی که آقای مجید شیری
- ۴۴- با تشکر و تقدیم احترام مجدد
- ۴۵- در قسمت پائین سمت راست کروکی نوشته‌شده منزل مسکونی و تلوار

همان‌طور که نمونه‌های بالا (۱۳-۴۵) نشان می‌دهند دو و بعضاً بیش از یک واژه معنای مشابهی دارند. در بعضی از نمونه‌ها

رابطه جز واژگی (Metonymy) میان دو واژه هست مانند حیاط و خانه (نمونه ۳۷)؛ رابطه مفهوم «خانه» نسبت به مفهوم «حیاط» رابطه کل به جزء است. در چنین شرایطی، واژه‌ای مثل «خانه» واژه کل نامیده می‌شود و واژه‌های مثل «حیاط» واژه جزء به حساب می‌آید. برای تشخیص رابطه جزء واژگی واژه جزء بخشی از واژه کل است. بر اساس این قاعده می‌توان رابطه میان مفهوم واژه جزء و واژه کل را دریافت. در مورد واژه‌های جعل و کلاهبرداری (نمونه ۲۵) رابطه معنایی شمول معنایی (Hyponymy) هست. در این رابطه مفهوم یک واژه درون واژه دیگر هست؛ به بیان ساده‌تر جعل نوعی از کلاهبرداری است. تکرار این نوع واژه‌ها با توجه به آمار و بسامد بالایشان بسیار عادی است. گاهی این نوع تکرار در حد واژه نیست و اطلاعات مشابه در جمله می‌آیند؛ مانند

۴۶- موضوع قرارداد شرکت اصلاً وجود نداشته و اساساً این قرارداد به نحو صوری تنظیم گردیده.

۲-۲-۵-۳- تکرار واژه‌های مخالف

در این نوع تکرار، واژه‌ها به لحاظ معنایی در تضاد با یکدیگر هستند. تکرار واژه‌های متضاد پیام را با تأکید بیشتری به گیرنده انتقال می‌دهد، هر چند که خود واژه‌های متقابل، تضاد را نشان می‌دهند.

۴۷- برای دریافت و پرداخت‌های مالی

۴۸- تائید دادنامه صادره و نقض اعتراض

۴۹- تخریب و نوسازی

۵۰- از جرم بودن یا نبودن خط‌خوردگی‌ها

۵۱- عدم وجود عنصر نفع برای این جانب و ضرر برای شاکی که هیچ ضرری برای شاکی از تغییر تاریخ متصور نیست و دلیلی برای تغییر تاریخ وجود ندارد.

۵۲- در کروکی نام محمد خط‌خورده و نام علی قیدشده را

۵۳- مرجع رسمی و غیررسمی

۴-۲-۲-۵- تکرار متمایز کننده / تفکیک کننده

در این گروه تکرار اطلاعات درون متن، واژه را از دیگر موارد متمایز می‌کند؛ بیان ساده‌تر با تکرار اطلاعات، مطلب برای خواننده رفع ابهام می‌شود. پس اطلاعات درون متن، واژه را از دیگر موارد متمایز می‌کند؛ اطلاعات ضروری درون متن اضافه می‌شوند تا متن برای خواننده مبهم نباشد؛ مانند

۵۴- نکته دیگری که موجب بار شدن مجازات بیش از عمل ارتكابی موکل شده نام موکل است (مرتضی): حسب تحقیقات به عمل آمده در پرونده شخص دیگری نیز با نام «مرتضی راد» و یا همان «مرتضی رفوگر» در جریانات دخالت داشته و علی‌الظاهر چون در پاره‌ای از تحقیقات به عمل آمده از متهمین از فعالیت‌های شخصی با عنوان «مرتضی» یاد شده.

چنانچه ویژگی خاص و تفکیک کننده از جمله حذف شود، پیام برای گیرنده مبهم می‌شود بنابراین تکرار اسم کوچک به همراه نام خانوادگی افراد در متن رفع ابهام می‌کند.

نمونه دیگری از این نوع را می‌توان اینگونه ترسیم کرد؛ تصور کنید که متهمان در یک خط ایستاده‌اند و از شما در جایگاه شهود خواسته می‌شود متهم را شناسایی کنید [از میان مرد کوتاه با عینک طبی، مرد کوتاه بدون عینک طبی و مرد بلند بدون عینک طبی]

پاسخ شما: متهم آن مرد کوتاه با عینک طبی است.

تکرار در این موارد به چشم می‌خورد زیرا کلماتی در توضیح کلمه قبل آمده است و تکرار این اطلاعات در انتقال پیام تاثیر بسزایی دارد و ابهام زدایی می‌کند.

۲-۵-۵-۲- تکرار برجسته ساز / منفرد کننده

در این گروه، با تکرار و تأکید بر ویژگی‌هایی بخشی از اطلاعات درون متن برجسته و مؤکد می‌شود. در این نوع تکرار یک یا بیش از یک ویژگی به طور آشکار با واژه همراه می‌شود و آن مشخصه را برجسته می‌کند. در این نوع تکرار یکی از ویژگی‌های خاص جدا می‌شود و مورد تأکید بیشتر قرار می‌گیرد.

۵۵- در تکمیل ادله‌ی ابزاری CD حاوی مکالمات صورت گرفته

۵۶- احتراماً به وکالت از اداره تصفیه امور ورشکستگی به قائم‌مقامی شرکت نگین رنگ پارسا به استحضار می‌رساند شرکت نگین رنگ پارسا با مدیریت آقای رسول پیغمبری مورخ ۸۵/۸/۱۷ طی مبیعه‌نامه‌ای کل سهام شرکت به آروین را از فروشندگان خریداری می‌نمایند

۵۷- مبلغ ۶۷ میلیون تومان به فروشنده (شرکت به آروین امروز با نمایندگی آقای آرش محبی نژاد) تحویل می‌نماید.

۵۸- ایشان از مورخ ۸۶/۱/۱۱ (تاریخ درج‌شده در ذیل تقسیم‌نامه)

در نمونه‌های بالا (۵۵-۵۸)، با بیان اسامی خاص و تعیین نقش ابزاری واژه‌ها، بخشی از اطلاعات تکرار می‌شود تا قسمتی از پیام را برجسته نماید. بنابراین در این نمونه‌ها، حضور ویژگی خاصی در واژه‌های گروهی به کار رفته، برجسته تر مطرح و مورد تأکید قرار می‌گیرد. بررسی داده‌ها نشان می‌دهند که تکرار اطلاعات بر زبان و انتقال پیام تأثیر بسزایی دارد. همه تکرارها با انگیزه و اهداف متفاوتی در بافت لایحه‌ها رخ می‌دهد مانند رفع ابهام، برجسته‌سازی، درک بهتر پیام، و تمییز ویژگی خاص. بنابراین برای انتقال دقیق مفاهیم بافت حقوقی در لایحه‌ها، تکرار مفاهیم معینی، می‌تواند از ابهامات و فشرده‌گی غیر قابل درک پیام بکاهد و سبب درک بیشتر مطلب شود. با تأکید و تکرار بیشتر اطلاعات بر پیام در جمله، فرستنده از انتقال پیام مطمئن می‌شود. در متن لایحه‌های حقوقی با ارایه شواهد بیشتر در بافت، انتقال پیام بدرستی و دور از هر گونه ابهامی رخ می‌دهد. چنین پدیده‌ای متون دشوار و پیچیده‌ای مانند لایحه‌های حقوقی (جملات مرکب و طولانی با واژه‌های دشوار) را قابل درک می‌کند و دریافت کننده از اطلاعات اضافی تکراری در متن برای دریافت پیام بهره می‌گیرد.

۳-۵- بحث کلی

سبک یا گونه از ویژگی‌های زبانی است که در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون به کار گرفته می‌شود؛ متناسب با بافت و موقعیت‌های اجتماعی گونه‌های سبکی متفاوت به کار می‌رود (مدرسی، ۱۳۹۳). تیرسما (۲۰۰۱) از مشخصه‌های نحوی در متون حقوقی به جملات پیچیده و طولانی اشاره دارد. وی در بررسی خود در این متون، حشو نوشتاری را مشاهده نکرده است؛ اما

بعدها در بررسی دیگر خود (۲۰۰۵) معتقد است که این متون شامل واژگان مهجور، جملات حشو در گفتار در حوزه صفات هستند. روشن و بهبودی (۱۳۸۸) در بررسی خود در متون حقوق مدنی فارسی، نمونه‌هایی از حشو نیافته‌اند. در این بررسی‌ها نگاه به حشو مبتنی بر تکرار زائد است. هر چند حشو را عاملی منفی و بازدارنده در زبان معرفی کرده‌اند اما هنگامی که گوینده یا فرستنده به هر دلیلی در ارتباط بافتی نتواند پیام را به درستی انتقال دهد، گیرنده می‌تواند بر مبنای اطلاعات اضافی و با تکرار اطلاعات در جمله که پیام مشابهی را منتقل می‌کند، موضوع را درک کند. پس قانون خود را در بطن متون حقوقی تکرار می‌کند تا قدرت و استدلال منطقی را نشان دهد. بررسی لایحه‌های رسیدگی به شکایات استان تهران نشان می‌دهند که بیان حقوقی، خاص است؛ مهم‌ترین ویژگی‌های آن‌ها عبارتند از: نوع جملات با ساخت‌های غیر متعارف با واژه‌های تخصصی حوزه حقوقی، جملات طولانی، بدون نقطه‌گذاری‌های رایج در زبان فارسی، کاربرد فعل‌های چندبخشی به جای فعل‌های مرکب دو بخشی. کردعلیوند (۱۳۹۲: ۹) به نقل از ژرار کورنو (۲۰۰۵) حقوق‌دان فرانسوی و متخصص زبان‌شناسی حقوقی می‌نویسد که با توجه به ماهیت پیچیده حقوق، بیان آن ساده و صریح نیست. شمار مفاهیم حقوقی بیش از شمار واژه‌های آن است و حتی نو واژه‌ها نمی‌توانند این بی‌تناسبی را جبران کنند. زبان حقوقی به دلیل ویژگی‌های خاص خود همواره برای غیر حقوق‌دانان کمتر قابل درک است.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهند که نگارنده لایحه‌ها در صورت نوشتاری از صورت‌های پیچیده و تکراری قابل توجهی استفاده می‌کند. هدف این است که با واژه‌های تشدیدکننده و تکرار، قاضی را تحت تأثیر قرار دهد. به نمونه‌هایی از پیچیدگی‌های واژگانی و نحوی داده‌ها توجه نمایید:

الف) فعل‌های چندبخشی

- مورد بررسی قرار داده‌اند. به جای بررسی کرده‌اند
- دچار اشتباه شده‌اند به جای اشتباه کرده‌اند
- در ادامه به قلم خواهد آمد به جای در ادامه ارائه می‌شود
- مورد استدعا می‌باشد. به جای استدعا داریم

ب) جمله‌های طولانی و پیچیده (هم‌پایه)

- لذا قدر مسلم موکل در سلسله تشکیلات مجرمانه مباشرت نداشته چراکه اگر بنا بود جزئی از باند باشد و بر اساس اقدام مشارکت آمیز ناشی از جرم کسب سود نماید اخذ ۴ میلیون تومان بابت صرفاً یک مقطع از کار (که تمام همکاری موکل با باند بوده) بلا توجه است و منطقی این بود که در صورت تبانی و وحدت قصد و مشارکت مانند سایر متهمین می‌بایست منتظر عواید حاصله و کلان کلاهبرداری می‌ماند و نه اینکه به اجرت العمل گیری مطابق عددی متعارف بسنده نماید.

- حدود ۳۶ متر از زمین ساختمان دیگر متعلق به مالکین در طرح تعریض قرار گرفته که مجریان در اقدامی به ضرر مالکین و برای کاهش هزینه‌های خود طبق توافقی با شهرداری مقدار کسر شده را با قیمتی بسیار ناچیز در قبال پرداخت وجه بابت تراکم تهاتر نموده‌اند که این کسری متراژ از زمین مالکین بوده که می‌بایست در حق ایشان پرداخت گردد که متأسفانه با اقدامات بدون اذن مجریان در حق ایشان کارسازی گردیده است.

- اینک به موجب این دادخواست با توجه به عدم ذی‌حقی سازندگان نسبت به مبلغ کارسازی شده جهت خرید تراکم در قبال متراژ کسر شده از زمین متعلق به مالکین تقاضای صدور حکم مبنی بر محکومیت خواندگان به پرداخت وجه متعلق به متراژ کسر شده از زمینشان با جلب نظر کارشناس که می‌بایست از شهرداری دریافت نمایند و به علت اقدامات سازندگان از آن حق خود محروم مانده‌اند، به انضمام خسارات وارده از این اقدام و خسارات دادرسی و حق الوکاله وکیل مورد استدعاست.

- ولیکن با این وجود و با سوءنیت مبادرت به فروش ملک و سهام خود به شرکت نگین رنگ پارسا نموده‌اند.

- و همچنین استرداد وجوه پرداختی بابت ثمن معامله باطل وفق رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ به انضمام خسارت دادرسی و تأخیر تأدیه از حضورتان مورد استدعا می‌باشد.

- چگونه ممکن است بنده در آن تاریخ متصرف ملک بوده که از آن باب محکوم به پرداخت اجرت‌المثل گردم؟!

پ) کاربرد مکرر قیود

- اصل فیش واریزی به شهرداری را به مالکین تحویل دهند که متأسفانه همواره به بهانه‌ای از تحویل فیش واریزی سرباز زده‌اند.

- ثبت ادعای بنده دقیقه دادنامه صادره شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۱۰۶۰۱۰۲۵ مورخ ۹۶/۱۰/۴ می‌باشد.

- اینک نظر به مراتب معروض و توجهاً به اینکه بنده دقیقاً در زمان مقرر ملک را تحویل مالک نمودم

همان‌طور که در بررسی لایحه‌ها نشان دادیم تکرارها با هدف خاصی در متن به کار می‌روند. چنین نگاهی از دو رویکرد منفی (حشو) و مثبت (لازم/دستوری، بافتی/سبکی) مشخص می‌کند که تکرار اطلاعات در متون لایحه‌ها هدفمند است. چنین ویژگی‌هایی، متن لایحه‌ها را خاص می‌کند. برای نمونه؛

در خصوص اتهامات مطرح شده در پرونده

- ارائه سند توسط این جانب به شورای حل اختلاف بند پی شرقی

- حسب تحقیقات به عمل آمده در پرونده

- آقایان مجید شراری به عنوان کارگردان جریانات مجرمانه

این نمونه‌ها در نثر رایج زبان فارسی، با تعریفی که بزرگان این عرصه داشته‌اند (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۰؛ دانشگر، ۱۳۸۳) حشو و تکرار زائد هستند؛ اما هر یک از عبارات در متن لایحه، موکده هستند. تکرار وصفی تأکیدی، پیامی را با دقت زیاد برای مخاطبین (قاضی و وکلا) تأکید می‌کند. پس تکرار اطلاعات به درک متن دشوار و پیچیده لایحه‌ها کمک می‌کند و در انتقال پیام و درک مطلب نقش موثری دارد.

هلیدی (۱۹۸۵:۵۳) معتقد است که معنای متن به بافت مرتبط است؛ واژه‌های درون متن و بافت موقعیتی هر دو در ساخت و انتقال پیام نقش دارند. هلیدی و حسن (۱۹۷۶) در بررسی خود، تکرار را ابزاری زبانی و انسجامی دانسته‌اند و از این حیثه فراتر نرفته‌اند. آن‌ها به نوع متن، نقش گوینده یا نویسنده که عناصر زبانی را به عمد تکرار می‌کند تا بتواند ارتباط و انتقال پیام را دقیق انجام دهد، اشاره‌ای نکرده‌اند. نویسنده به دلایل سبکی و نوع خاص متن اطلاعات را تکرار می‌کند. آن‌ها به انگیزه‌های تکرار پرداخته‌اند و میان انواع تکرار نیز (مفید و بی فایده) تفاوتی قائل نشده‌اند.

همان‌طور که براون و یول گفته‌اند، تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است که در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و نقش‌هایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند؛ بنابراین تکرار اطلاعات در این نوع متن‌ها با انگیزه‌های تأکید، ترس از فراموشی مخاطب در طولانی شدن کلام، تشدید نکات کلیدی و یادآوری آن‌ها از مهم‌ترین عوامل کاربردی و غیرزبانی هستند (Brown & Yule, 1983:1).

در پژوهش حاضر بحث فواید تکرار اطلاعات و نقش موثر آن در انتقال پیام قابل توجه است. در بافت ارتباطی، تکرار مطالب یا ایده‌ای مشابه در جمله یا عبارت، سبب درک بهتر مطالب می‌شود. پس مفهوم تکرار همیشه با بی‌فایده بودن (نگاه سنتی در ادبیات) برابر نیست. اطلاعاتی ممکن است تکراری باشد اما بی‌فایده و غیر کاربردی نباشد؛ نتیجه یعنی اطلاعات تکراری در بافت می‌تواند کاربردی و مفید باشد.

نتیجه‌گیری

تکرار اطلاعات در لایحه‌ها از دو منظر منفی و مثبت قابل توجه هستند. از نگاه منفی، حشو و تکرار اطلاعات غیرضروری هستند؛ اما از دیدگاه مثبت، تکرار اطلاعات در لایحه‌های حقوقی به دودسته اصلی تقسیم می‌شوند؛ دستوری و بافتی. تکرار دستوری از قواعد اجباری زبان نشئت می‌گیرد. تکرار بافتی که هدف اصلی پژوهش حاضر است نشان می‌دهد که تکرار اطلاعات به شکل‌های گوناگون در متن نمود دارد؛ تکرار مترادف، متضاد، متمایزکننده و برجسته‌ساز. با توجه به عوامل غیرزبانی، بافت انگیزه اصلی تکرار اطلاعات است. نویسنده در لایحه بنا بر اقتضای تأکید، یادآوری مطلب کلیدی، شفاف‌تر کردن موضوع، مطالب را تکرار می‌کند. دوباره‌نویسی مطالب، جملات پیچیده، عدم توجه به نقطه‌گذاری، کاربرد قیود متعدد، هم‌پایگی‌های طولانی، فعل‌های چندبخشی، متن لایحه حقوقی را خاص می‌کند. پژوهش حاضر با تلفیق دو تعریف متفاوت از تکرار اطلاعات، بر فواید این پدیده در نظام ارتباطی تأکید کرده و نقش موثر و کاربردی آن را نشان می‌دهد.

منابع و مأخذ

- استاجی، اعظم. (۱۳۸۴). «زبان شناسی حقوقی»، مجله زبان شناسی، سال بیستم، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۷۴.
- (۱۳۸۵). «معرفی آواشناسی قانونی و برخی کاربردهای آن»، مجله زبان و زبان شناسی، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۴۹-۱۵۶.
- افتخاری، سید اسماعیل. (۱۳۸۴). «نقش کم‌کوشی زبانی در پیدایش فارسی محاوره»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۷، صص ۲۴-۶۰.
- آقاگلزاده، فردوس. (۱۳۸۶). «زبان‌شناسی حقوقی: رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی»، بخارا، شماره ۶۳، صص ۱۹۲-۲۰۴.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی»، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پالمر، فرانک. (۱۹۷۶). «نگاهی تازه به معناشناسی»، مترجم کورش صفوی، نشر مرکز.
- خسروی زاده، پروانه. (۱۳۸۴). «نگاهی به پدیده حشو واژگانی از منظر باهم آبی مطلق»، مجموعه مقاله‌های نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران، صص ۳۵۳-۳۶۲.
- (۱۳۸۸). «بررسی فرایند تولید و درک حشوهای گفتمانی»، زبان و زبان‌شناسی، دوره ۵، شماره ۹، صص ۳۳-۴۸.
- دانشگر، محمد. (۱۳۸۳). «حشو در نوشته‌های امروز». فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۴، صص ۸۳-۱۱۴.

- راسخ مهند، محمد. (۱۳۸۹). «واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل»، مجله‌ی پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال ۲، شماره ۲، صص ۷۵-۸۵.
- روشن، بلقیس و بهبودی، سپیده. (۱۳۸۸). «توصیف ویژگی‌های نحوی و واژگانی متون حقوق مدنی فارسی»، مجله زبان و زبان‌شناسی، دوره، شماره ۹، صص ۱۰۵-۱۲۳.
- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۸۰). نگارش و ویرایش، چاپ سوم، انتشارات سمت.
- (۱۳۹۵). آیین نگارش، چاپ سیزدهم، مرکز نشر دانشگاهی.
- صفوی، کورش. (۱۳۷۳). از زبان‌شناسی به ادبیات، جلد اول (نظم)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- فرازنده پور، فائزه. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی متون حقوقی از دیدگاه زبان‌شناسی و ارائه الگویی بر مبنای تحلیل ساخت موضوعی: رویکرد زبان‌شناسی حقوقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کردعلیوند، روح‌الدین. (۱۳۹۲). «زبان‌شناسی حقوقی»، انسان و فرهنگ، ویژه‌نامه زبان و متن، سال ۲، شماره ۳، صص ۵-۱۶.
- لازار، ژیلبر (۱۳۹۳). دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، تهران: انتشارات هرمس.
- لطیفی خواه، پریا. (۱۳۸۱). بررسی ساختار نحوی متن قانون مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۹۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- هایمن، لاری. ام. (۱۹۷۵). نظام آوایی زبان: نظریه و تحلیل، ترجمه یدالله ثمره، فرهنگ معاصر.

[DOI: 10.52547/jsal.6.1.128]

[Downloaded from jsal.iierf.ir on 2024-05-20]

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

- Staji, A., (2005). "Legal Linguistics", Journal of Linguistics, Vol. 20, No. 2, pp. 163-174.
- Estaji, A. (2006). "Introducing Forensic phonetics and some of its applications". Language and Linguistics, Vol. 2, No. 4, pp. 149-156.
- Agha golzadeh, F., (2007). "Legal Linguistics: A New Approach in Applied Linguistics", Bukhara, No. 63, pp. 192-204.
- Batani, M., (1991). *Description of the grammatical structure of the Persian language*, 4th edition, Tehran: Amirkabir Publications.
- Palmer, F., (1976). *A New Look at Semantics*, translated by Koresh Safavi, Center Publishing.
- Khosrovi zadeh, P., (2005). "Looking at the phenomenon of lexical stuffing from the point of view of absolute coherence", a collection of papers of the first conference of the Iranian Linguistics Association, pp. 353-362.
- Khosravi zadeh, P. (2009). "Redundancies in conversation: a study on the process of producing and understanding". Language and Linguistics, Vol. 5, No. 9, pp. 33-48.
- Daneshgar, M., (2004). "Pleonasm in today writings". LIRE 2003; Vol. 1, No. 4, pp. 83-114.
- Rasekhmahand, M. (2010). "Persian Clitics beside Verbs". Journal of Researches in Linguistics, Vol. 2, No. 3, pp. 75-85
- Rovshan, B., & Behboudi, S. (2009). "Description of Syntactic and Lexical Properties of Persian Civil Law Texts". Language and Linguistics, Vol. 5, No. 9, pp. 105-136
- Sami Gilani, A., (2001). *Writing and editing*, 3th Edition, Samt Publications.
- Sami Gilani, A., (2016) *Writing Rules*, 13th Edition, Academic Publishing Center.
- Safavi, K., (1994). *From Linguistics to Literature*, 1th Edition, Tehran: Research Institute of Islamic Culture.
- Farazande pour, F., (2008). *Pathology of legal texts from the Point of View of Linguistics and Presenting a Model based on the analysis of thematic construction:*

the approach of legal linguistics, thesis for the master's degree in Linguistics, Tarbiat Modares University.

Kurd alivand, R., (2012). "Legal Linguistics", Human and Culture, Special Issue on Language and Text, Vol 2, No 3, pp. 5-16.

Lazar, G., (2013). *Modern Persian Grammar*, translated by Mehsti Bahreini, Tehran: Hermes Publishing.

Latifi Khah, P., (2002). *examining the syntactic structure of the civil law text*, master's thesis, Islamic Azad University, central Tehran branch.

Madrasi, Y., (2013). *Introduction to Sociology of Language*, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran.

Hyman, Larry. M. (1975). *phonetic system of language: theory and analysis*, translated by Yadullah Samrah, Farhang Maazer.

Brown. G. & Yule. G. (1983). *Discourse analysis*. Cambridge: Cambridge University.

Bușila, A. (2017). *The issue of translating legal doublets in notarial acts from English into Romanian*. *Lingua Legis*, pp. 123- 136.

Campbell, J. (1982). *Grammatical man, information, entropy, language, and life*. New York: Simon and Schuster.

Chromà, M. (2011). Synonymy and polysemy in legal terminology & their applications to bilingual & bijural translation". *Research in Legal*, Vol. 9, No. 1, pp. 31-50. Doi: 10.2478/v10015-011-0004-2

Grice, H. P. (1975). *Logic and conversation*. Syntax and Semantics, 3th Edition, by P. Cole and J. Morgan, Academic Press. Reprinted as ch.2 of Grice 1989, pp. 22–40.

Halliday, M. A. K. (1985). *An Introduction to functional grammar*. Edward Arnold, London.

Halliday, M. A. & Hassan, R. (1976). *Cohesion in English*. New York: Longman.

Halle, M. (1971). *The sound pattern of Russian*. The Hague: Mouton.

Hassan, R. (1979). *On the notion of text*. In J. S. Petofi(ed.), *Text vs. sentence: Basic question of text linguistics*, Helmut Busk, Humburg.

Hunnicut, S. (1985). "Intelligibility versus redundancy". *Language and Speech*, Vol 28, No 1, pp 47-56. Doi: 10.1177/002383098502800103

Shannon, C. E. (1948). "A mathematical theory of communication". *The Bell System Technical Journal*, Vol. 27, No. 3, pp. 379–423. Doi: 10.1002/j.1538-7305.1948.tb01338.x

Tiersma, P. (2001). "The creation, structure and interpretation of the legal text". www.languageandlaw.org//LEGALLANG/LEGALLANG.HTM.

Tiersma, P. (۲۰۰۵) "Correction and addition to legal language". www.tiersma.com//CORRECT.HTM.

Wit, C. E. & Gillette. M. (1999). *What is linguistic redundancy?*. Technical Report, The University of Chicago. 1-17. The paper is fully available on: <http://www.math.rug.nh/~ernst/linguistics/redundancy3.pdf>